پیام نوروزی مقام معظم رهبری به مناسبت حلول سال 1374 هجری شمسی - 1 /فروردین/ 1374

بسم‌الله‌الرحمن الرحیم

یا مقلّب القلوب و الابصار. یا مدبّرالليل والنّهار. یا محوّل الحول و الاحوال. حوّل حالنا الی احسن الحال.

عید نوروز و حلول سال جدید را به همه هم‌میهنان عزیز و ملت عظیم‌الشّأن و بزرگوارمان، بخصوص به مردان و زنان مؤمن و فداکاری که در راه سربلندی این کشور و این ملت و پیروزی این انقلاب تلاش ویژه‌ای را انجام داده‌اند و رنج ویژه‌ای را متحمّل شده‌اند و خانواده‌های معظم شهیدان، جانبازان و آزادگان و خانواده‌های آنها و خانواده‌های مفقودان و اسرای مظلوم و عزیزمان تبریک عرض می‌کنم.

همچنین این عید را به ملتهای دیگری که برای عید نوروز احترامی قائل هستند و ارزش می‌گذارند - مثل ملت جمهوری آذربایجان، ملت افغانستان و ملتهای جمهوریهای آسیای میانه و دیگران - و نیز ایرانیانی که در سراسر دنیا هستند، تبریک عرض می‌کنم.

امسال عید ما با غم بزرگی آمیخته شد و سایه غم فقدان فرزند عزیز امام راحل رضوان‌الله تعالی علیهما در چهره عید و چهره بهار و سال جدید سنگینی می‌کند و مشاهده می‌شود. امیدواریم که خداوند این ملت رابه خاطر این رنجها و بخصوص آن خانواده بزرگوار و بخصوص مادر رنج کشیده و همسر محترم و فرزندان عزیز ایشان و بقیّه خانواده ایشان - خواهران و دیگران - و خانواده‌های وابسته به بیت محترم امام بزرگوار را در این رنج بزرگ مشمول رحمت و فضل و صبر و کمک خود قرار دهد.

من در همین آغاز صحبت لازم است که از ملت بزرگ ایران صمیمانه تشکر کنم. در این حادثه غم انگیز، ملت همدردی بزرگی را نشان داد و نسبت به امام بزرگوار خود، یک بار دیگر پس از صدها بار، عرض اخلاص و ارادتِ وفادارانه‌ای را ابراز نمود. در سالی که گذشت، در چندین قضیه، ملت عزیز ایران به همین ترتیب، حضور خود را در صحنه، با قوّت و قدرت نشان داد. چه در فقدانهایی که داشتیم و عزیزانی را از دست دادیم و چه در مناسبتهای مهم اجتماعی در طول سال ۱۳۷۳ - مثل راهپیماییهای روز ۲۲ بهمن و روز قدس و بقیّه مناسبتها و همچنین در حوادث تلخی که با فقدانهای بزرگ پیش آمد - ملت با حضور عظیم خود یک منش عظیم انقلابی و اسلامی را در معرض دید همه مردم جهان قرار داد. حضور میلیونی مردم در حوادثی که به آنها اشاره کردم،در خیابانها و در معرض دید ملتهای عالم و ناظران جهانی، چهار مفهوم را به همه نشان داد. اوّلاً موضعگیری سیاسی ملت را ؛ ثانیاً عواطف سرشار و وفای فراوان مردم به اسلام و انقلاب و رهبر عظیم‌الشّأن و دلسوزان و خدمتگزاران این ملت را ؛ ثالثاً نشاط روحی ملت را - ملتی که در صحنه است و در همه حوادث مهم جامعه حضور خود را نشان می‌دهد - و رابعاً امید اجتماعی و این که این ملت یک ملت امیدوار و خوش بین به آینده است. این چهار مفهوم ؛ یعنی موضعگیری سیاسی، وفای عاطفی و نشاط روحی و امید اجتماعی، جمعبندی همه اجتماعات عظیمی است که ملت ما در سال گذشته، بخصوص در ماههای اخیر - در ماه رمضان، در همین حادثه تلخ ، در شهادت سرداران نیروی هوایی، در رحلت مرجع بزرگوار آیةالله العظمی اراکی و حوادث گوناگون دیگر - از خود بروز داد. من می‌خواهم به مردم عزیزمان عرض کنم که این حضور پرعظمت شما در صحنه‌هایی که حضورتان لازم و ضروری است، نشان دهنده و نمایشگر قدرت و تصرّف الهی است. این همان معنای «یا مقلّب القلوب و الابصار» و «یا مدبّر اللیل و النّهار» است. خدا، گرداننده دلها و هدایت کننده جانها و روحهاست. این همه تبلیغات علیه ایران و ایرانی و نظام اسلامی و همه جریانها و حوادث

زندگی در این کشور به وسیله سردمداران و تبلیغاتچیهای بزرگ جهانی انجام می‌شود. رسانه‌هایی که در اختیار استکبار و صهیونیسم هستند به‌طور دائم این ملت را بمباران تبلیغاتی می‌کنند. در عین حال وقتی ملاحظه می‌کنید و می‌بینید آحاد این ملت این گونه در مقابل تبلیغات دشمن، سرافراز، مستقیم، قائم به نفس و پرنشاط در صحنه حضور پیدا می‌کند ؛ متوجه می‌شوید که این دست خداست و تصرّف پروردگار در دلها و جانهاست و این خنثی کردن نقشه‌های دشمن به وسیله تدبیر و اراده الهی است. این نقش عظیم و حیاتی را که نقش اصلی در عالم وجود است، باید در همه مراحل زندگی‌مان در نظر داشته باشیم. آحاد ملت ؛ مسؤولین کشور و کسانی که برای خودشان در این جامعه و کشور و روی این کره خاکی، شأن انسانی صحیح و شأن اسلامی حقیقی قائلند، باید به این اراده الهی و این تصرّف الهی در دلها و جانها ایمان داشته باشند و بدانند که کارها با قدرت و اراده الهی پیش می‌رود و در این رهگذر، ملت و شخصی موفّق است که رابطه خودش را با خدای متعال روز به روز بهتر کند و عبودیّت را در مقابل پروردگار، روز به روز بیشتر و روشن تر و شفّافتر نماید.

سال گذشته برای کشور ما سال بسیار پرتلاش و پرموفقیّتی بود. در زمینهٔ سیاسی - چه در سطح جهانی و چه در رابطه با قضایای ویژه‌ای که برای ملت ایران مطرح است - حضور ملت ایران حضوری مقتدر بود و مسؤولان سیاست خارجی و ارتباطات بین‌المللی کشور به اتکاء همین اعتماد و پشتیبانی ملت، حقّاً و انصافاً کارهای بزرگی را انجام دادند. در صحنه جهانی، ملت ایران سرافراز شد. تهمتهای دشمنان، بسیاری باطل شد و دشمنان ملت ایران و دشمنان جمهوری اسلامی و دشمنان تمامیت ارضی کشور، به اشکال مختلف ناکام شدند. در صحنه داخلی ؛ یعنی صحنه سازندگی و نوآوری و پایه گذاری یک نظام صحیح زندگی در کشور از لحاظ اقتصادی و بنای پایه‌های اساسی اقتصاد آینده هم، حقّاً و انصافاً کارهای بزرگی انجام گرفت و مسؤولان کشور و دولتمردان توانستند کارهای باارزشی را انجام دهند. امیدواریم که این کارها ادامه پیدا کند و ملت ایران رابطه صمیمانه خود را با مسؤولان بیشتر و وحدت و هماهنگی و همدلی خود را در صحنه‌های سازندگی، زندگی، ابتکار و فعالیت روز به روز افزونتر کند و ان‌شاءالله روند سازندگی کشور به پیش برود.

من در نوروز سال ۷۳ دو توصیه به ملت و دولت کردم و به عنوان دو شعار، دو سر فصل را عنوان نمودم که یکی از آنها «وجدان کاری» و دیگری «انضباط اجتماعی» بود. برحسب جمعبندی خود من، این دو سرفصل می‌توانست و می‌تواند حرکت ملت ایران به سمت پیروزی و سازندگی ایران اسلامی آباد و آزاد را تسریع و تسهیل کند. البته مسؤولین کشور و سردمداران امور گوناگون اقتصادی و اجتماعی و نیز مسؤولین امور فرهنگی و اداره کنندگان رسانه‌ها و دیگران، نسبت به این دو موضوع قلم فرسایی کردند، سخنها گفتند و تأیید کردند. همچنین با خود ما، در گفتارهای شفاهی، در گزارشهای گوناگون و در سخنرانیها و نوشتارها اعلام کردند که این دو سرفصل حقیقتاً مهم است و کارهایی هم در این جهت انجام گرفت.

من امسال - یعنی در طلیعه سال ۷۴ - می‌خواهم عرض کنم که ما در صورتی توانسته‌ایم این دو سرفصل را با موفقیّت انجام دهیم و این دو شعار را تحقّق بخشیم که آثار آن را در خارج مشاهده کنیم. اگر در کشور، تولید در زمینه اقتصادی زیاد شده باشد ؛ اگر کارهای اجتماعی و اداری و اقتصادی، روانتر و آسانتر شده باشد ؛ اگر اجناس مورد استفاده مردم فراوانتر و در دسترس قرار گرفته باشدو اگر کارهایی از این قبیل انجام گرفته باشد، این نشانه آن است که وجدان کاری در جامعه ما به طور کامل بیدار شده است. یعنی در این کشور انجام دهندگان میلیونها کار، دارای احساس وجدان کاری هستند و کار را یک عمل صالح، یک وظیفه حقیقی، یک عبادت ویک مسؤولیت اجتماعی و سیاسی تلقّی کرده‌اند و معنای وجدان کاری نیز همین نکاتی است که عرض کردم. هر مقدار آن کارها انجام شده باشد، وجدان کاری پیشرفت کرده است. اگر در آن زمینه‌ها، کم پیش رفته باشیم، پیداست وجدان کاری مقداری تحقق پیدا کرده و بیدار شده است. اگر خدای ناکرده در این زمینه‌ها هیچ پیش نرفته باشیم - که البته این طور

نیست - در آن صورت دلیل این است که وجدان کاری تحرّکی پیدا نکرده است. در سال گذشته اگر چه بحمداللّه پیشرفتهایی در کارها داشتیم،ولی باید عرض کنم کافی نیست. در مورد انضباط اجتماعی، اگر تخلّفات اجتماعی و قانون شکنی کم شده باشد ؛ اگر مردم با عادات و آداب صحیح اجتماعی حقیقتاً خو گرفته باشند ؛ اگر جرم و جنایت کاهش چشمگیر یافته باشد، آن گاه ما احساس می‌کنیم که انضباط اجتماعی به معنای واقعی تحقّق پیدا کرده است. البته مقداری پیشرفت داشتیم و تلاش شده است ؛ اما نه آن مقدار که مورد نظر این حقیر بود و برای جامعه ما لازم بود و هست.

من عرض می‌کنم امسال هم می‌خواهم دو توصیه بکنم. یک توصیه این است که آن دو شعار را زنده نگه داریم. این مسائلی که مربوط به اخلاق و آداب و عادات انسانی و اجتماعی است، مسائل فصلی و زودگذر نیست، مسائل یک سال و دو سال نیست. قرنها کار کرده‌اند تا این که یک ملت را به یک موضع خوب یا بد رسانده‌اند ؛ یک عادت اجتماعی یا یک مشت عادتهای اجتماعی را در ملتی به وجود آورده‌اند یا در آن تزریق کرده‌اند.

اوّلاً سالها لازم است که یک عادت زشت برطرف شود و یک عادت خوب در جان یک ملت ریشه دواند. این کار یک ماه و دو ماه و چند ماه و یک سال نیست. بنابراین عرض می‌کنم آن دو شعار را که عبارت بود از تلاش برای به وجود آمدن وجدان کاری و تلاش برای پدید آمدن انضباط اجتماعی در مردم، در داخل جامعه، در مسؤولین، در کارگزاران کشور و در هر کسی که به کاری مشغول است، باید ادامه دهیم.

باید کسانی که منادی و محافظ مسائل فرهنگی هستند، آن مسائل را ترویج کنند ؛ مسائل را درست برای مردم بشکافند و تبیین نمایند. کسانی که اهل برنامه‌ریزی هستند، برای دمیدن دو روحیه وجدان کاری و انضباط اجتماعی در مردم برنامه ریزی کنند. کسانی که اهل کار و تلاشند این دو روحیه را در خودشان به وجود آورند. هر کسی این کار و تلاش را برای خود بکند. آن کسانی هم که به مردم تذکر می‌دهند و برای مردم تبلیغ می‌کنند، در این باره برای مردم حرف بزنند. کاری کنیم که کار و عمل سازنده ؛ چه عمل فرهنگی و چه عمل اقتصادی و چه عمل اجتماعی و چه عمل سیاسی، برای کسی که کننده آن است یک عمل مقدّس به حساب آید. از یک کارگر ساده بگیرید، تا یک مأمور ساده اداری، تا یک مدیر عالیرتبه، تا یک صاحب صنعت مهم و بزرگ در کشور، تا یک مأمور عالیرتبه دولتی، تایک معلّم، تا یک دانشجو، تا یک مبلّغ و روحانی، همه و همه احساس کنند این کاری که انجام می‌دهند یک عبادت و یک عمل خیر و صالح است. همه باید کارشان را با جدّیت و به نیکی انجام دهند. از نبیّ‌اکرم صلوات اللّه و سلامه علیه نقل شده است که فرمود: «رَحِمَ‌اللّهُ اِمْرَءً عَمِلَ عَمَلاً فَاتْقَنَه (۱)» ؛ رحمت خدا بر انسانی که کاری را انجام دهد و آن را نیکو و محکم و متقن و صحیح انجام دهد. از سرهم بندی وکار را به امان وحال خود رها کردن و به کار نپرداختن و بی‌اعتنایی به استحکام یک کار به شدّت پرهیز شود. این مربوط به وجدان کاری است. در مورد انضباط اجتماعی نیز همین است که همه حد اجتماعی صحیحی را که قانون معنی می‌کند و مقرّرات و حدود الهی معیّن می‌نماید، با دقّت رعایت کنند تا زندگی یک زندگی صحیح و سالمی باشد. این دو شعار را امسال حفظ کنید. گویندگان راجع به آن بگویند ؛ نویسندگان درباره آن بنویسند ؛ مسؤولین در خصوص آن برنامه‌ریزی کنند و آحاد جامعه خودشان را با این معیار بسنجند و پیشرفتهای خودشان را ملاحظه کنند. این توصیه اوّل.

توصیه دوم که آن هم برای جامعه ما بسیار مهم است، «انضباط اقتصادی و مالی» است. من این را از آحاد ملت و مسؤولین کشور و مأمورین دولت، امسال تقاضا دارم. انضباط اقتصادی و مالی یعنی مقابله با ریخت و پاش، زیاده روی و اسراف. ریخت و پاش مالی و زیاده روی در خرج کردن و زیاده روی در مصرف، به هیچ وجه صفت خوبی نیست. نه اسمش جود و سخاست و نه کرم و بزرگ منشی است. فقط اسمش «بی‌انضباطی اقتصادی و مالی» است. کسانی که بی‌خود خرج می‌کنند ؛ زیادی خرج می‌کنند و زیادی برای خودشان مصرف می‌کنند و رعایت موجودی

جامعه را از لحاظ امکانات اقتصادی نمی‌کنند، انسانهایی هستند که از نظر من بی‌انضباط از لحاظ امکانات اقتصادی و مالی هستند. اگر چنین وضعیتی ادامه پیدا کند، این ملت کارش مشکل خواهد شد. به کسانی که بی‌خود خرج می‌کنند، اگر بگوییم شما چرا این قدر خرج کردید و چرا این میهمانی بی‌خود و بی‌جهت را با این همه ریخت و پاش ترتیب دادید؟ می‌گویند داریم و می‌کنیم! آیا این دلیل کافی است که دارم و می‌توانم خرج کنم؟ نه ؛ این دلیل به هیچ وجه دلیل قانع کننده‌ای نیست. باید به قدر نیاز و حاجت، خرج و مصرف کرد. بخصوص کسانی که اموال عمومی را مصرف می‌کنند. آنها هم مانند کسانی که اموال خودشان را بی‌حساب و کتاب خرج می‌کنند، مخاطب این مطلبند و نباید زیادی مصرف کنند.بعضی افراد، پولدارند و درآمدی ان‌شاءالله از راه حلال دارند - آنها که از راه حرام کسب درآمد کنند که وضعشان بدتر است - اینها هم اگر در خرج کردن و وضع زندگی و تجمّلات بیهوده و بی‌جا و اعیان منشی، ریخت و پاش و اسراف کنند، بی‌انضباطی مالی و اقتصادی انجام داده‌اند. این کارها اسمش ریخت‌وپاش است و ریخت‌وپاش امری نکوهیده و ناپسند است. این کارها زندگی دیگران را از لحاظ روانی مختل می‌کند. شما مثلاً مبالغ زیادی مواد خوراکی در فلان مهمانی معمولی مصرف می‌کنید ؛ در حالی که لازم نیست و در کنار شما و در همسایگی شما در یک محلّ دورتر، ولو در اقصی نقاط کشور، کسانی به این مواد غذایی برای ادامه زندگی خود و فرزندان و عزیزانشان نیاز مبرم دارند. آیا این کار در چنین شرایط کار درستی است؟ پس در اموال شخصی و مالی که از راه حلال هم به دست آمده باشد، ریخت‌وپاش غلط و خلاف انضباط است. کسانی که اموال دولتی را مصرف می‌کنند، دیگر بیشتر. من از مسؤولین امور می‌خواهم جدّاً در زمینه مصرف اموال عمومی، در جاهایی که اولویّت ندارد - ولو ممکن است مورد نیاز هم باشد، اما نیاز درجه یک نیست - خودداری کنند. آن جایی که امر دایر است بین نیاز با اولویّت و نیاز بی‌اولویّت، خودداری کنید. آن جایی که نیاز نیست و حاجت نیست، حتماً مصرف نشود. آن جایی که حاجت هست، اما حاجت بالاتری نیز هست آن جا هم مصرف نشود و این امکان مالی در حاجت برتر و بالاتر مصرف گردد. این هم توصیه امسال من است و امیدوارم باز مسؤولین کشور نسبت به این قضیه اهتمام ورزند. به تعبیر دیگر مسؤولین فرهنگی، اهتمام فرهنگی و مسؤولین اقتصادی و اداری و دولتی و اجرایی، اهتمام اجرایی ورزند.

در پایان این صحبتِ آغاز سال نو، مایلم به بعضی از ملتهای همسایه‌مان هم که نسبت به عید نوروز اهمیت قائلند توصیه کنم از فجایع بزرگی که در بعضی از ملتها رخ می‌دهد بکاهند و جلو خونریزیها را بگیرند. در این سال جدید متأسفانه مشاهده می‌شود که در بعضی از کشورهای همسایه ما از جمله در افغانستان - که حوادث این کشور برای ما حوادث به شدّت دردآور و ناراحت کننده‌ای است - خونریزیها و برادرکشیهایی می‌شود که هیچ شعار صحیح و هدف درست و روشنی با آن نیست و بیشتر جنبه قدرت‌طلبی دارد. ملت افغانستان، مسؤولین آن کشور و سردمداران گروهها و احزاب بایستی حتماً به این نکته توّجه کنند. ملتها این رخدادهای خونین را ممکن است در کوتاه‌مدّت به روی خود نیاورند و یا مجال اعتراض پیدا نکنند ؛ اما در بلندمدّت و بخصوص در تاریخ، این گونه روشهای نادرست به نام عاملانش ثبت خواهد شد و مایه روسیاهی آنها خواهد گردید. از خدای متعال با تضرّع و ابتهال می‌خواهم که این سال را بر مردم مبارک کند. ان‌شاءالله سال ۱۳۷۴ بر شما ملت ایران سال شاد و نیکویی باشد ؛ سال خیر و برکت و سال پیشرفتهای گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد ؛ سال پیروزیهای بزرگ سیاسی باشد ؛ سال ناکامی دشمنانتان در برابر شما و سال نیکبختی بزرگ سیاسی باشد. امیدواریم که ان‌شاءالله مشمول ادعیهٔ زاکیّه حضرت بقیةالله‌الاعظم حضرت ولیّ‌عصر ارواحنافداه باشید و خداوند فرج آن بزرگوار را نزدیک کند و ما را از یاران آن بزرگوار قرار دهد و روح امام راحل را از ما شاد کند و روح این عزیز تازه در گذشته ما را هم از این ملت و از عواطف این ملت پاداش نیکو عنایت فرماید.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱) بحارالانوار: ج ۲۲ ص ۱۵۷